گفت‌وگوی «جوان» با یک راوی دفاع مقدس پیرامون ماه‌های پایانی جنگ تحمیلی

اواخر جنگ طول مرزهای نبرد دو برابر شده بود!

با حضور امریکا در خلیج فارس و تشدید جنگ نفتکش‌ها ۱۲۰۰ کیلومتر مرز آبی به خطوط پدافندی افزوده شد

■ علیرضا محمدی

اواخر اردیبهشت سال ۱۳۶۷ جبهه‌های دفاع مقدس در تب و تاب عجیبی بود. یک‌ماه قبل عراق توانسته بود شبه جزیره فاو را پس از دو سال و چند ماه که در تصرف نیروهای ایرانی بود پس بگیرد و جبهه خودی را دچار شوک کند. از سوی دیگر بعثی‌ها در تبلیغات‌شان اعلام کرده بودند که پس از فاو نوبت شلمچه است و می‌خواهند آنجا را پس بگیرند. (چهارم خرداد ۶۷ به شلمچه حمله کردند) آن روزها بین رزمنده‌ها این پرسش مطرح بود که چه عواملی باعث شده عراق پس از حدود پنج سال از لاک دفاعی خارج شده و آرایش هجومی بگیرد. در پاسخ به این سؤال بعدها مباحث بسیاری شد. در گفت‌وگویی که با محسن نصری از رزمندگان و راویان دفاع مقدس داشتیم، سعی کردیم این موضوع را از زوایای دیگری بررسی کنیم. با این توضیح که خود نصری در آخرین ماه‌های دفاع مقدس در مناطق عملیاتی جنوب و غرب کشور حضور داشته است.

فاو اواخر فروردین ۶۷ سقوط کرد و سپس عراق به سمت شلمچه آمد، به نظر شما چه عواملی باعث شد دشمنی که سال‌ها به لاک دفاعی فرو رفته بود، این‌طور حالت هجومی بگیرد؟

برای پاسخ به این سؤال می‌توانیم چند عامل داخلی و خارجی در نظر بگیریم. بعد از فتح فاو توسط رزمندگان در والفجر ۸ و همین طور شکستن دژ دشمن در کربلای ۵، قدرت‌های بین‌المللی به این نتیجه رسیدند که باید بیش از پیش برای تقویت ارتش شکست خورده عراق کاری انجام دهند. لذا تقویت ارتش بعث با جدیت بیشتری در دستور کار قرار گرفت و کار به جایی رسید که به عنوان نمونه فرانسه جنگنده را با خلبانش به عراقی‌ها اجاره می‌داد. در کنار تقویت ارتش دشمن، از تابستان سال ۶۶ به طول مرزهای ما با دشمن افزوده شد! اگر ما تا آن زمان از جنگ در ۱۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق می‌جنگیدیم، از سال ۶۶ و با حضور امریکایی‌ها در خلیج فارس و همین طور شدت گرفتن جنگ نفتکش‌ها، مجبور شدیم بخشی از توان و امکانات‌مان را در طول مرزهای آبی مستقر کنیم که طول آن هم حدوداً همان ۱۲۰۰ کیلومتر بود. یعنی از سال ۶۶ طول مرزهای ما دو برابر شد. گذشته از عوامل خارجی، برخی از عوامل داخلی هم در این خصوص دخیل بودند. خود من در قالب گردان حضرت ابوالفضل(ع) از لشکر ۱۴، از اول اسفند تا اول فروردین در فاو بودم. من شب‌ها با دوربین مادون قرمز می‌دیدم که عراقی‌ها کارهای مهندسی روی میدان‌های مین‌شان انجام می‌دهند و مشخص است که می‌خواهند حرکتی بزنند. اما هر چه گزارش می‌دادیم کسی حرف‌مان را جدی نمی‌گرفت. خط ما در فاو ضعیف بود. در همان خط پدافندی ام‌القصر که ما مستقر بودیم، فقط یک رشته سیم‌خاردار بود و مین‌هایی که در تعداد نه‌چندان قابل توجهی در زمین کار گذاشته شده بودند و عملیات مهندسی چندانی برای تقویت خط انجام نگرفته بود.

پیش از ادامه صحبت‌های تان، رزمنده‌های زیادی همین نکته شما را تأیید کرده‌اند که گویی گزارش‌های ارسالی از خط پدافندی فاو جدی گرفته نمی‌شد، علتش چه بود؟

عراق از سال‌ها قبل در لاک دفاعی فرورفته بود و طرفی که به او فشار می‌آورد ما بودیم. بعد از گذشت چند سال این باور که عراق بتواند از لاک دفاعی بیرون بیاید در جبهه خودی وجود نداشت. یعنی کسی باور نمی‌کرد که عراق بتواند یک تحرک نظامی عظیم صورت دهد. جرئت و توانش را ندارد. در همین شرایط بود که ما آمدیم عملیات والفجر ۱۰ را در جبهه غرب انجام دادیم. عرض کردم که گردان ما تا اول فروردین در فاو بود. بعد از آن برای مراحل بعدی عملیات والفجر ۱۰ به جبهه غرب اعزام شدیم و به منطقه سد دربندی خان رفتیم. جای ما را هم به گردان امام رضا(ع) و گردان امام حسین(ع) از لشکر ۱۴ دادند. رفتن ما و دیگر یگان‌ها به جبهه غرب یعنی ضعیف‌تر شدن خط فاو. از طرف دیگر در آخرین ماه‌های جنگ از ۱۲۰۰ کیلومتر مرز مشترکی که با عراق داشتیم، نیروهای سپاه و بسیج در نیمی از این مرزها خط آفندی یا پدافندی داشتند. همه اینها باعث می‌شد نتوانیم فاو را آن طور که باید تقویت کنیم. کمبود نیرو گذشته از کمبود امکانات بود. وقتی ما در فاو بودیم، یادم است که خیلی از مواقع یک گونی ساده برای تقویت سنگر یا خط نداشتیم. اما در آن طرف ارتش بعث آمده بود لشکر ۱۰ گارد ریاست جمهوری خودش را تا حد سپاه گسترش داده بود.

به هر حال دشمن در ۲۸ فروردین ۶۷ به فاو حمله کرد و آنجا را ظرف ۳۶ ساعت پس گرفت. اما بعد اعلام کرد که قصد حمله به شلمچه را دارد و ما آنجا را تقویت کردیم. پس چرا باز هم دشمن در شلمچه موفق بود؟ آنجا که دیگر غافلگیری فاو وجود نداشت.

اگر چه در ماجرای شلمچه عنصر غافلگیری وجود نداشت، اما همان عواملی که گفتم در اینجا هم خودش را نشان داد. اول اینکه ارتش عراق بیش از حد توسط قدرت‌ها تقویت شده بود. دوم اینکه جبهه خودی امکانات لازم را نداشت و نیروها با توجه به حضور در مرزهای آبی و همین طور انجام عملیات آفندی و پدافندی در طول مرزهای مشترک با عراق، به قدری نبودند که بخواهیم خط را خوب تقویت کنیم. به عنوان نمونه عرض کنم وقتی که خبر رسید دشمن به فاو حمله کرده است، ما در سد وحدت سنندج بودیم. حتی خودروی لازم را نداشتیم که بتواند گردان ما یا دیگر یگان‌ها را به جنوب بیاورد. این نکته که ما خط پدافندی مستحکم نداشتیم یک نکته کلیدی است. چون از بعد فتح خرمشهر عادت به حمله داشتیم، در کارهای دفاعی تبحر عملیات آفندی را نداشتیم. از طرف دیگر کسی که می‌خواهد حمله کند نمی‌آید جلوی خودش مانع درست کند. لذا ما هیچ وقت خط‌مان را به لحاظ موانع آن‌قدر تجهیز نمی‌کردیم که در موقع حمله دست و پا گیر خودمان باشد. پس وقتی عراق خواست به شلمچه و سپس به مجنون حمله کند، به‌رغم آمادگی که داشتیم، اولاً خطوط پدافندی ما ضعیف بود، ثانیاً نیرو و امکانات ما کم بود و سوماً اینکه ارتش عراق فوق‌العاده تقویت شده بود.

> دشمن تا حوالی رود کارون پیش آمده بود. آنجا به آنها رسیدیم. یک نبرد حیاتی به نام عملیات «سرنوشت» انجام گرفت که باعث فرار دشمن به آن طرف مرزها شد. اینجا بود که بعثی‌ها فهمیدند قرار نیست پیروزی در فاو یا شلمچه را تکرار کنند

در مورد کمبود نیرو در اواخر جنگ خیلی بحث شده، شما عامل اصلی آن را چه می‌دانید؟

در این مورد باید به ترکیب نیروها دقت کنیم. بچه‌های بسیجی که عمده نیروهای رزمی ما در عملیات و غیره را تشکیل می‌دادند هر کدام دوره‌های مشخصی به جبهه می‌آمدند. چند ماه می‌آمدند و می‌رفتند. اما در آن طرف کسی که در ارتش عراق به عنوان سرباز آمده بود، از اولین روز جنگ تا آخرین روز او را ترخیص نمی‌کردند. در این شرایط طولانی و فرسایشی شدن جنگ روی بخشی از نیروهای ما اثر می‌گذاشت. همین داوطلبان بسیجی هرچند نیروی بسیار کیفی بودند، اما هر کدام کار و زندگی خودشان را داشتند. مثلاً معلمی در تعطیلات تابستان به جبهه می‌آمد. یک وقتی او نمی‌توانست بیاید و با طولانی شدن جنگ این طور مسائل بیشتر خودش را نشان می‌داد. از طرف دیگر تبلیغات منفی که در خصوص جنگ می‌شد، باعث دلسردی بخشی از مردم شد. آن زمان بارها این شایعه در سطح جامعه می‌پیچید که مثلاً قرار است شهرها را با بمب شیمیایی بزنند. یا شدت عملی که دشمن در بمباران شهرها در اواخر جنگ نشان می‌داد بخش‌هایی از مردم را دلسرد و خسته کرده بود. همه اینها روی کمبود نیرو تأثیرگذار بود.

> وقتی ما در فاو بودیم، یادم است که خیلی از مواقع یک گونی ساده نداشتیم تا داخلش خاک بریزیم و سنگر را تقویت کنیم. اما در آن طرف ارتش بعث آمده بود لشکر ۱۰ گارد ریاست جمهوری خودش را تا حد سپاه گسترش داده بود

یک نکته جالب در خصوص ماه‌های پایانی جنگ این است که بعد از پذیرش قطعنامه و حمله مجدد دشمن، نیروهای ایرانی مقاومت عجیبی از خودشان نشان دادند و دشمن را از مرز بیرون راندند. جز «انگیزه» چه چیزی در جبهه‌ها تغییر کرده بود که باعث چنین مقاومتی شد؟

همین نکته انگیزه که شما اشاره کردید عامل بسیار مهمی است. با گذشت چند سال از جنگ و تبلیغات سوء دشمنان و مسائل مختلفی که عرض کردم، جبهه خودی گویا دچار یکسری عادات شده بود. باید تلنگری زده می‌شد تا ما به خودمان بیاییم. شوک اولیه در فاو زده شد. بعد هم که ماجرای سقوط شلمچه و مجنون پیش آمد. وقتی که حضرت امام در قطعنامه از اصطلاح «جام زهر» نام بردند، همان نیروهای پای کار جبهه واقعاً تکان خوردند و به این فکر کردند چه چیزی باعث شد تا مقتدای‌شان جام زهر بنوشد. پس انگیزه‌ها دو چندان شد. پیام‌های امام مبنی بر اینکه جبهه‌ها را خالی نگذارید هم مزید بر علت شد تا نیروهای بیشتری به جبهه بیایند. نتیجه این شد که به یکباره مقاومت عجیبی مقابل انبوه تانک‌های دشمن به وجود آمد. وقتی عراق خلف وعده کرد و بعد از پذیرش قطعنامه به ایران حمله کرد، گردان ما و دیگر یگان‌ها به مصافش رفتند. آنها خط شلمچه و پاسگاه زید را شکسته و تا حوالی رود کارون پیش آمده بودند. ما همان جا به تانک‌های دشمن رسیدیم. یک نبرد حیاتی و سرنوشت ساز به نام عملیات «سرنوشت» در جبهه جنوب انجام گرفت که باعث شکست و فرار دشمن به آن طرف مرزها شد. اینجا بود که بعثی‌ها فهمیدند دیگر قرار نیست پیروزی در فاو یا شلمچه و مجنون را تکرار کنند. بعد هم که نیروها با پیام امام به جبهه‌ها سرازیر شدند و نهایتاً با عملیات مرصاد و شکست منافقین، دشمن حد خودش را فهمید و به قطعنامه ۵۹۸ در عمل تن داد.

سخن پایانی.

حضرت امام پس از پایان جنگ گفتند ما در دفاع مقدس پیروز شدیم، علتش این است که دشمن به هیچ کدام از اهدافی که می‌خواست نرسید و ملت ایران پس از قرن‌ها که در هرجنگی بخشی از خاکش را از دست می‌داد، در دفاع مقدس حتی یک میلی‌متر از خاکش را از دست نداد. ما در جنگی پیروز شدیم که هیچ ابرقدرتی دوست نداشت پیروزی ما را ببیند.

نگاه

نگاهی به منطقه شلمچه و وقایع تاریخی آن

اولین یادمان شلمچه را خانواده شهدا ساختند

■ غلامحسین بهبودی

پرداختن به شلمچه و یادمان معروفش این روزها چند مناسبت دارد. ۴۰ سال پیش در چنین روزهایی، شلمچه پس از ۱۹ ماه اسارت دوباره آزاد شد و رزمنده‌ها ارتباط نیروهای عراقی داخل خرمشهر با مرز شلمچه را قطع کردند. همچنین شش سال بعد، در اواخر اردیبهشت و اوایل خردادماه ۶۷، شلمچه در تب و تاب تک بعثی‌ها بود. البته آن قسمت از شلمچه که در داخل خاک عراق قرار داشت. به هر روی این تکه از خاک جنوب، یکی از پر شهیدترین و در عین حال شهیرترین مناطق دفاع مقدس است.

■ جبهه جنوب

شلمچه مرز بین ایران و عراق در جنوب استان خوزستان است. از آن جنوبی‌تر به منطقه اروند کنار می‌رسیم که مرز زمینی با عراق ندارد. به قول یکی از رزمندگان دفاع مقدس، اگر چندبار دیگر هم بین ایران و عراق جنگ شود، باز دو طرف ابتدا از شلمچه با یکدیگر درگیر می‌شوند چون زمین هموار دارد و برای استفاده از ادوات زرهی مناسب است.

مرز شلمچه قبل از شروع رسمی دفاع مقدس، از جمله مناطقی بود که مورد هجوم دشمن قرار گرفت. پاسگاه شلمچه، مؤمنی و خین، از اماکنی بودند که عراق آنها را گلوله باران کرد و حتی ۱۰ روز قبل از شروع جنگ نیز از راه زمینی به آنها حمله کرد. بلافاصله با شروع دفاع مقدس شلمچه مشهد مدافعینی شد که با کمترین امکانات به مصاف تانک‌های دشمن می‌رفتند.

> بعد از اتمام دفاع مقدس، شلمچه یکی از اولین مناطقی بود که ابتدا با حضور خانواده شهدا و رزمندگان دفاع مقدس رونق گرفت. یادمان این منطقه نیز با کمک همین خانواده‌های شهدا و رزمندگان ساخته شد و رفته رفته گسترش یافت

■ وقایع تاریخی

کمی پیش از آنکه خرمشهر سقوط کند، شلمچه به دست دشمن افتاده بود. به این ترتیب از ماه اول جنگ تا زمان آزادسازی خرمشهر، این منطقه در دست دشمن بود. سپس آزاد شد و در طول دفاع مقدس نیز بارها و بارها محل درگیری دو طرف بود. از عملیات رمضان گرفته تا کربلای ۴ و ۵، سپس تک دشمن در سال ۶۷، عملیات بیت‌المقدس ۷ و نهایتاً هجوم گسترده عراق پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، شلمچه بارها شاهد شهادت رزمندگانی بود که با دل و جان از میهن اسلامی‌شان دفاع می‌کردند.

■ یادمان شلمچه

بعد از اتمام دفاع مقدس، شلمچه یکی از اولین مناطقی بود که ابتدا با حضور خانواده شهدا و رزمندگان دفاع مقدس رونق گرفت. یادمان این منطقه نیز با کمک همین خانواده‌های شهدا و رزمندگان ساخته شد و رفته رفته گسترش یافت. سال ۱۳۷۸ که مقام معظم رهبری به شلمچه رفت و آنجا را قطعه‌ای از بهشت خطاب کرد، شهرت شلمچه بیش از پیش شد. تا جایی که مقصد نهایی تمام کاروان‌های راهیان‌نور عازم جبهه جنوب، شلمچه بود و این منطقه بیش از تمام مناطق عملیاتی دفاع مقدس در نزد عموم مردم شناخته شد.

■ خیل زائران

حضور خیل عظیم زائران در شلمچه به غیر از شهرت این منطقه، به دلیل نزدیکی‌اش به خرمشهر و دسترسی آسانش بود. از این‌رو مسئولان به این فکر افتادند تا یادمان شلمچه را هرچه بیشتر تجهیز کنند. اکنون یادمان شلمچه یک حسینیه بزرگ دارد با ماکت‌های ساخته شده از سنگرهای نونی شکل دشمن که این ماکت‌ها در ابعاد واقعی ساخته شده‌اند. به قول یکی از راویان کاروان‌های راهیان‌نور، یادمان شلمچه توانایی جذب توریست‌های خارجی را هم دارد. چنانچه اکنون نیز اغلب افراد خارجی علاقمند به تاریخ دفاع مقدس، به یادمان شلمچه می‌روند و از امکانات آنجا بهره می‌برند.

به هر روی شلمچه و یادمانی که اکنون در آن قرار دارد، بخشی از تاریخ معاصر کشورمان را شامل می‌شود. تاریخی از ایثارگری‌ها، رشادت‌ها و نکات کلیدی و طلایی که دانستن آن می‌تواند حافظه تاریخی نسل‌های مختلف ایران را با غروری مقدس مزین کند و آینده درخشانی را برای ما و نسل‌های بعدی رقم بزند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۴۸۶

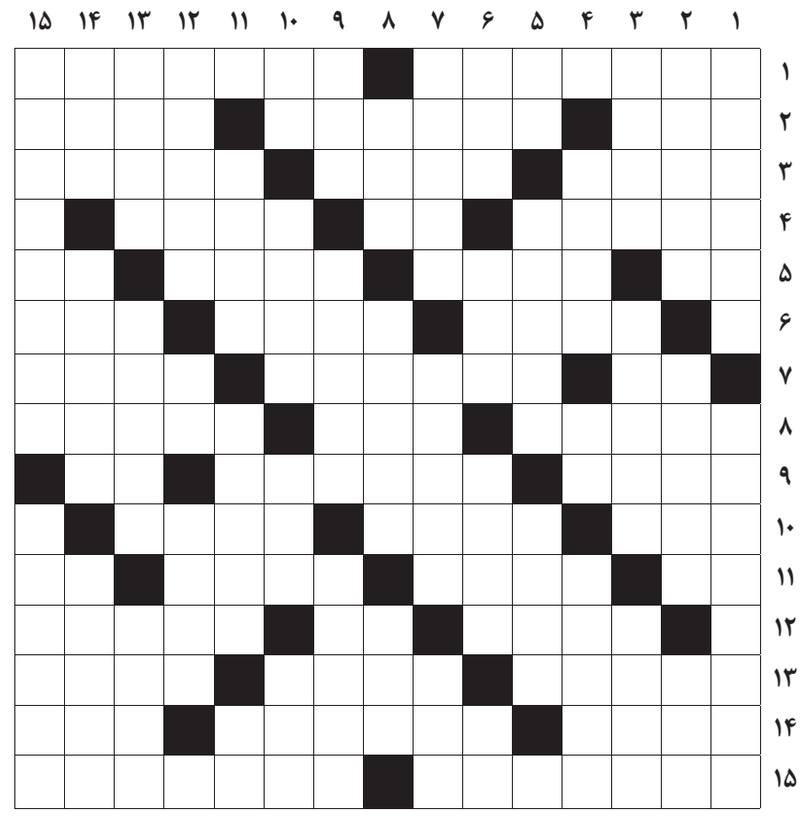

از راست به چپ

■ ۱-زن سالاری – پایتخت کشور جزیره‌ای جنوب ترکیه در دریای مدیترانه ■ ۲-شهری در آلمان – رزمی کار فیلم اژدها وارد می‌شود – آماده سفر ■ ۳-نبی – جزیره – زیر دست ■ ۴-از شهرهای چین – رطوبت – وارثان ■ ۵-مفت و مجانی – دروازه‌بان تیم ملی فرانسه در جام جهانی ۹۸ – وارونه تارا – طایفه کم حرف ■ ۶-منجی عالم بشریت – پارچه ابریشمی – طبق فلزی ■ ۷-عدد یک رقمی – هرج و مرج – اهل محل ■ ۸-شهر زیره و قالی – نوعی برادر و خواهر – آماده کردن ■ ۹-کله‌پز – کتابی از ویکتور هوگو، نویسنده فرانسوی – مخالف ■ ۱۰-شهرها – تفرجگاهی در تهران – مسجد بزرگ شهر ■ ۱۱-یک لحظه – کشیده شدن – اشاره به مکان دور - «از» عربی ■ ۱۲-شاهد – حرف فقدان – وزانت ■ ۱۳-سرخرگ – متحدالقول – مرکز استان نینوای عراق ■ ۱۴-فناوری اطلاعات – محل استحمام اتومبیل – لطیف ■ ۱۵-رودی در چین – از پادشاهان ماد

از بالا به پایین

■ ۱-سنگ زینتی نیشابوری – استان غربی ■ ۲-نسبت داده شده – شعر گفتن – مکر و حیله ■ ۳-سخن بیهوده – از میزبان از او پذیرایی می کند- از اسامی دختران ■ ۴-گل شهیدان – برگ برنده – نویسنده امریکایی شاهزاده و گدا ■ ۵-تیر پیکاندار – جاهل – خشمگین ■ ۶-خانه – سلاح کاشتنی – تارمی چوبی یا فلزی – کوچک ■ ۷-شهری در ایتالیا – نرم افزاری برای طراحی و نقشه کشی – یاور نشده ■ ۸-از پسران نوح – طایر – دست نخورده ■ ۹-آلوی کوهی – بایگانی – اینچنین ■ ۱۰-حرف دهن کجی – چرم براق – زندان – سدی در تهران ■ ۱۱-مقصود و هدف – حمله کردن – حرف روسی ■ ۱۲-ارث بردن-ناپسند – سوگ و عزا ■ ۱۳-تولد یافته – فروتنی – وزنی در طلافروشی ■ ۱۴-سریع خودمانی – شهری در استان فارس – شاعر عصر غزنوی ■ ۱۵-پایگاه نظامی امریکا در ترکیه – بزرگ منش

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۳	۴			۸			
				۷	۴			۶
							۲	۹
۱			۸			۹		
۹				۶		۵	۴	
۷			۲		۳			
							۳	۸
			۱	۸	۷			
	۱	۲						

جدول کلمات متقاطع
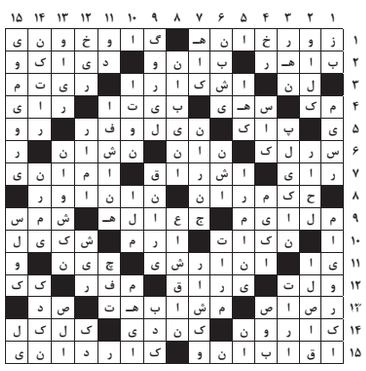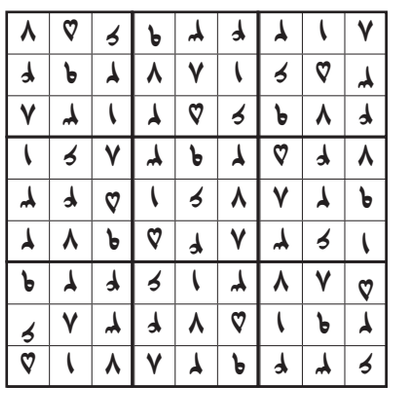
پاسخ جدول شماره ۶۴۸۵